

ویلیام جیمز

تنوع تجربه دینی

حسین کیانی



انتشارات حکمت

تهران، ۱۳۹۷

فهرست

۹	یادداشت مترجم
۱۳	یادداشتی دربارهٔ این کتاب
۱۵	پیش‌گفتار
۱۷	درس‌گفتار اول: دین و عصب‌شناسی
۴۵	درس‌گفتار دوم: تحدید موضوع
۷۳	درس‌گفتار سوم: واقعیت عالم غیب
۱۰۱	درس‌گفتارهای چهارم و پنجم: دین سالم‌اندیشی
۱۵۷	درس‌گفتارهای ششم و هفتم: روح بیمار
۱۹۹	درس‌گفتار هشتم: خویشتن دوگانه و فرایند اتحاد آن
۲۲۵	درس‌گفتار نهم: ایمان‌آوری
۲۵۵	درس‌گفتار دهم: ایمان‌آوری (نتیجه‌گیری)
۲۹۷	درس‌گفتارهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم: پارسایی
۳۶۹	درس‌گفتارهای چهاردهم و پانزدهم: ارزش پارسایی
۴۲۱	درس‌گفتارهای شانزدهم و هفدهم: عرفان
۴۷۵	درس‌گفتار هجدهم: فلسفه
۵۰۳	درس‌گفتار نوزدهم: ویژگی‌های دیگر
۵۳۱	درس‌گفتار بیستم: نتیجه‌گیری
۵۶۵	حرف آخر
۵۷۳	فهرست تفصیلی

درس گفتار اول دین و عصب‌شناسی

قرار گرفتن در این جایگاه و نشستن بر پشت این میز و روبه‌رو شدن با شما حضار و شنوندگان فاضل کاری است بس دشوار و هراس‌آور. برای ما آمریکاییان، تجربه استماع درس از محضر محققان اروپایی به اندازه بهره‌مندی از کتاب‌های آنان امری بسیار مأنوس و آشناست. در دانشگاه خود من، هاروارد هیچ زمستانی سپری نشده است مگر آنکه کم و بیش از تعداد معتابھی از سخنرانی‌ها و درس‌های نمایندگان علوم یا ادبیات از اسکاتلند، انگلستان، فرانسه یا آلمان مستفیض شده‌ایم، نمایندگانی که یا به موجب درخواست ما از آن سوی اقیانوس به آمریکا آمده‌اند و یا آنکه به هنگام دیدار از سرزمین ما، دست به دامن آنان شده‌ایم. این امر برایمان طبیعی جلوه می‌کند که وقتی اروپاییان صحبت می‌کنند ما گوش فرادهیم. اما این عادت را که وقتی ما صحبت می‌کنیم اروپاییان به گوش بنشینند، هنوز تجربه نکرده‌ایم و برای کسی که نخستین بار چنین جرأتی را به خود می‌دهد احساس پوزش و عذرخواهی برای چنین عمل گستاخانه‌ای رواست. مخصوصاً چنین حالتی در مورد خاک ادینبورو که چنین برای اذهان آمریکایی مقدس است باید صادق باشد. شکوه

کرسی فلسفه در این دانشگاه^۱ در دوران کودکی تأثیر عمیقی بر ذهنیت من گذاشته است. کتاب پروفیسور فریزر^۲ به نام مقالاتی در فلسفه که در آن زمان منتشر شده بود نخستین کتاب فلسفی بود که من در آن تأمل نمودم، و احساس هراس آوری را که از درس‌های کلاس سِر ویلیام هامیلتون^۳ به من دست داد خوب به خاطر می‌آورم. درس‌های خود هامیلتون نخستین نوشته‌های فلسفی بودند که تا آن زمان خودم را مقید به مطالعه آنها کردم و پس از آن در آثار و اندیشه‌های دوگالد استوارت^۴ و توماس براون^۵ غرق شدم. هیجانانگیزانه‌اش ناشی از احترام را هیچ‌گاه پشت سر نگذاشته‌ام و اعتراف می‌کنم ارتقای خویشتن فروتنم از حالت توحش بومی تا این حالت که به‌عنوان مقامی رسمی اینک در حضورتان هستم و قرار گرفتن در ردیف یکی از این نام‌های پرآوازه و درخشان، همان قدر که واقعیت دارد در عین حال احساسی رویایی را نیز برایم به همراه دارد.

اما از آن زمانی که به انتصاب در این مقام مفتخر شده‌ام احساس کرده‌ام که هیچ شایسته نیست که زوال پذیرد. کار علمی و دانشگاهی نیز تعهدات جسورانه خود را دارد، بنابراین بی‌آنکه باز هم کلام دلسردکننده‌ای بگویم در برابر شما می‌ایستم. بگذارید فقط این را بگویم اینک که در اینجا [ادینبورو] و در آبردین^۶ جریان فکری از غرب به شرق آغاز شده است امیدوارم همچنان به حرکت خود ادامه دهد. با سپری شدن سال‌ها امیدوارم که از بسیاری از هموطنان من خواسته شود تا در دانشگاه‌های اسکاتلند سخنرانی کنند و جای خود را با اسکاتلندی‌هایی که در ایالات متحده مشغول تدریس هستند تعویض نمایند؛ من امید آن دارم که مردم ما در تمام این رشته‌ها و موضوعات عالی همچون ملتی واحد شوند، و خلق و خوی خاص فلسفی به اندازه‌ی منش خاص سیاسی که در کلام انگلیسی ما نهفته است بیشتر و بیشتر در جهان نفوذ نماید.

۱. مراد «دانشگاه ادینبورو» محل سخنرانی است.

2. Fraser

3. Sir W. Hamilton

4. D. Stwart

5. T. Brown

6. Aberdeen

راجع به چگونگی برگزاری این سخنرانی باید بگویم که من نه عالم‌الاهیات هستم، نه محقق‌ی فرهیخته در رشته تاریخ ادیان و نه انسان‌شناس. روان‌شناسی تنها شاخه علمی است که من به‌طور خاص در آن تربیت شده و تبحر پیدا کرده‌ام. برای روان‌شناس، گرایش^۱ دینی انسان باید دست‌کم مانند دیگر واقعیت‌های مربوط به ساخت ذهنی‌اش جالب باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که تنها امر طبیعی برای من در مقام یک روان‌شناس این است که شما را به مطالعه و بررسی توصیفی این دسته از گرایش‌های دینی دعوت نمایم.

اگر بررسی نامبرده پژوهشی روان‌شناختی باشد، باید موضوع بحث آن نه نهادهای دینی بلکه احساسات دینی و انگیزش‌های دینی باشد و در آن صورت باید خود را به پدیده‌های ذهنی و فردی رشدیافته‌تر ضبط شده در متون محدود سازم که انسان‌های کاملاً خودآگاه و با بیان فصیح در نوشته‌های مربوط به پرهیزکاری و زندگی‌نامه‌های خودنوشت قید کرده‌اند. اگرچه منشأ و مراحل اولیه یک موضوع ممکن است همیشه جالب باشد، اما هنگامی که شخص به‌طور جدی مفهوم و اهمیت کامل آن را جست‌وجو می‌کند همواره باید به اشکال کاملاً تحوّل‌یافته و کامل آن بنگرد. از این بحث نتیجه می‌گیریم که اسناد و مدارکی که بیشتر به ما مربوط می‌شوند مدارکی است از کسانی که عمدتاً در زندگی دینی تربیت یافته‌اند و توانسته‌اند شرح قابل فهمی از اندیشه‌ها و انگیزه‌های خود ارائه دهند. البته این افراد هم از میان نویسندگان نسبتاً جدید و هم نویسندگان قدیمی‌اند که آثار آنها جزو آثار کلاسیک دینی به‌شمار می‌رود. بنابراین، نیازی نیست این دسته از اسناد و مدارک انسانی^۲ را که بسیار آموزنده‌اند در محافل علمی خاص جست‌وجو نمایم - این اسناد در مسیر حرکت ما هستند؛ و این وضعیت که طبعاً از خصوصیت مسئله مورد بحث ما ناشی می‌شود با فقدان آموزش خاص‌الاهیات در سخنران حاضر نیز متناسب است. من ممکن است نقل‌قول‌ها، جملات و عبارات‌های اعترافات شخصی را از

1. propensity

2. documents humans

مقدس از این دیدگاه وجودی است که کلیسای قدیم آن را بی‌اندازه مورد اغماض قرار داده است. دقیقاً تحت چه شرایطی از شرح‌حال‌نویسی، مؤلفان مقدس با مساهمت‌های گوناگون خود این متن مقدس را پدید آوردند؟ و هنگامی که مطالب خود را بیان می‌کردند در ذهن‌های خود دقیقاً چه داشتند؟ اینها مسلماً پرسش‌هایی درباره‌ی واقعیت تاریخی هستند و آدمی متوجه نمی‌شود که پاسخ به این پرسش‌ها چگونه می‌تواند فی‌البداهه پاسخ به پرسش دیگری را مطرح کند: این پرسش که کتاب مقدس با توجه به نحوه‌ای که به وجود آمده به‌عنوان راهنمایی برای زندگی و به‌عنوان وحی چه استفاده‌ای باید برایمان داشته باشد؟ برای پاسخ به این پرسش باید در ذهن خود نوعی نظریه کلی داشته باشیم در این خصوص که در یک چیز چه ویژگی‌هایی باید موجود باشد تا از نظر اهداف و حیاتی موجب ارزش و اعتبار آن گردد. خود این نظریه دقیقاً چیزی است که من آن را حکم معنوی نامیدم. با ترکیب این حکم معنوی با حکم وجودی مان، می‌توانیم حکم معنوی دیگری در خصوص ارزش کتاب مقدس استنتاج کنیم. بنابراین اگر نظریه ارزش وحی^۱ ما تأیید می‌کرد که هر کتابی برای برخورداری از این امر باید به‌صورت غیرارادی و عاری از هواهای نفسانی نویسنده به تصنیف درآمده باشد، یا هیچ‌گونه خطای علمی و تاریخی نباید در آن دیده شود و هیچ‌گونه امیال و تعصبات قومی یا شخصی در آن مشاهده نشود، در آن صورت احتمالاً کتاب مقدس نزد ما بی‌ارزش و بیهوده می‌نمود. اما اگر، از سوی دیگر، مطابق نظریه ما مجاز باشد که یک کتاب علی‌رغم خطاها و عواطف و نگارش عمدی و ارادی انسانی کاملاً یک وحی به حساب آید فقط اگر ثبت حقیقی تجربه‌های درونی انسان‌های دارای روح بزرگ باشد که با بحران‌های سرنوشت خود در جنگ و ستیز بوده‌اند، در این صورت این حکم خیلی مطلوب‌تر خواهد شد. شما می‌بینید که واقعیت‌های وجودی به تنهایی برای تعیین ارزش ناکافی‌اند، و بر این اساس بهترین استادان نقد برتر کتاب مقدس هیچ‌گاه مسئله

کتاب‌هایی اقتباس‌نمایم که بیشتر شما زمانی در آینده در دسترس خود خواهید داشت و این امر به ارزش نتیجه‌گیری‌های من خللی وارد نخواهد کرد. درست است که برخی از خوانندگان و محققان دلیرتر که در آینده در این محل تدریس خواهند کرد ممکن است اسناد و مدارکی را از قفسه‌های کتابخانه‌ها بیرون بکشند که سرگرمی‌های دلپسند و غریب‌تری را فراهم آورند که از حکایات من شنیدنی‌تر باشد، اما شک دارم که با سیطره‌شان بر آن مطالب کم‌یاب‌تر ضرورتاً بتوانند به ماهیت بحث موجود نزدیک‌تر گردند.

این پرسش که گرایش‌های دینی چیستند و این سؤال که اهمیت فلسفی آنها چیست از منظر منطقی دو نوع پرسش کاملاً متفاوتند؛ و عدم تمایز دقیق این امر ممکن است بحث را آشفته و مغشوش نماید. پیش از آنکه به اسناد و مطالبی که به آنها اشاره کرده‌ام بپردازم می‌خواهم این نکته را بیشتر مورد تأکید قرار دهم.

در کتاب‌های تازه‌ای که درباره‌ی منطوق نوشته شده است، در مورد هر چیزی بین دو نوع تحقیق تمایز قائل شده‌اند. نخست اینکه ماهیت آن چیست؟ چگونه پدید آمده است؟ ساختار، منشأ و پیشینه آن چیست؟ و دوم اینکه اهمیت، معنا، یا مفهوم آن که اکنون در اینجا است چیست؟ پاسخ به پرسش اول حکم وجودی^۱ یا قضیه وجودی است، اما پاسخ به پرسش دوم، قضیه ارزشی^۲ یا به تعبیر آلمانی‌ها Werthurtheil یا به تعبیر ما یک حکم معنوی^۳ است. هیچ‌کدام از این احکام را نمی‌توان بدون واسطه از حکم دیگر استنتاج کرد. این احکام از مشغله‌های عقلی گوناگونی صادر می‌شوند و ذهن آدمی تنها از این طریق آنها را ترکیب می‌کند که ابتدا از همدیگر تفکیک کرده و سپس آنها را به هم اضافه می‌کند.

در مورد ادیان مخصوصاً تشخیص این دو نوع سؤال آسان است. هر پدیده دینی دارای تاریخ خاص و اشتقاق از پیشینه‌های طبیعی خود است. آنچه این روزها به نقد برتر^۴ کتاب مقدس^۵ موسوم است فقط تحقیقی درباره‌ی کتاب

- | | |
|-------------------------|-------------------------|
| 1. existential judgment | 2. proposition of value |
| 3. spiritual judgment | 4. higher criticism |
| 5. The Bible | |

1. revelation - value